

اگر جایای انسانی ثمره محیط است ،
پس باید محیط را انسانی کرد .
کارل مارکس

نگاتی درباره پرورش

آموزش و پرورش یکی از اشکال مهم پراتیک اجتماعی برای تجدید تولید کادرا اجتماعی است . در مسائل مربوط به پرورش کودکان (پدگوزی) و پرورش جسمی (فیزیکولتور) علم و تجربه به نتایج فراوانی رسیده است . نظرماده اخله در این عرصه اختصاصی وسیع و دقیق نیست . هدف این نوشته دادن برخی توجه ها است که بنظر نگارنده ضرور و مهم است .

برحسب آنکه هدف پرورش رشد کدام یکی از قوای اساسی سگانه روح انسان (عقل ، احساس و اراده) باشد میتوان پرورش را به سه نوع اساسی تقسیم کرد :

۱) پرورش فکری یا منطقی (لژیک) یعنی پرورش قوای عقلانی برای ایلا بردن سطح درک و شعور و خود آگاهی و صحت فکری افراد ؛

۲) پرورش عواطف و احساسات (سته تیک) یعنی پرورش ذوق سلیم و سلیقه مستقیم در افراد برای ادراک درست زشت و زیبا ، گرانمایه و فرومایه ؛

۳) پرورش اراده (اتیک و اتیکت و پراتیک) برای ایجاد روح نکاپو و قهرمانی ، شرافت و صداقت ، پایداری و جسارت و نظم و وقت و پشتکار و پیکارجویی ، ادب و نزاکت در فرد ؛

بعبارت دیگر میتوان گفت هدف تربیت عبارتست از ایجاد منطق ، ذوق ، وجدان ، ادب و تعبیر نیر و ضد و سالم در انسان . پرورش خواه بنحو آگاهانه و مستقیم و خواه بنحو غیر آگاهانه و غیر مستقیم در چهار عرصه اساسی انجام میگردد :

۱) در کانون خانواده بوسیله پدر و مادر و دیگر خویشان ؛

۲) در آموزشگاه بوسیله معلم و دیگر اولیا^۱ آموزشگاه ؛

۳) در مرحل کار (کارخانه ، اداره ، کارگاه ، دکان ، مزرعه و غیره) بوسیله اولیا^۲ امور و مدیران و سرانستاد آن و همکاران ؛

۴) در کوچه و خیابان بوسیله همه مردم .

و مسائل عدده پرورش عبارتست از تعلیم و تربیس ، تلفیق بند و زنتهار باش ، ارائه نیروی نمونه ، یاد اش و نگاهش ، تشویق و مجازات ، اجراء آداب و رسوم و تمرین های ویژه ، ورزش ، تاء^۳ تیر از طریق آثار هنری و غیره . این وسایل گاه بشکل جد اگانه و گاه در ترکیب باهم برای نیل بحد اکثر تا تربیت مورد استفاده قرار میکنند .

خصمه انعطاف پذیری اعصاب امکان مبد هد که از طریق پرورش جسمی و روحی تغییرات ساختی در انسان ایجاد گردد و اعصاب ناتوان و بطلی التا^۱ نیز به اعصاب توانا و سریع التا^۲ نیز مبدل شود. لذا نقش پرورش در کرم سازی انسان عظیم و گاه معجزه آساست. از پنج جهت شوری کسانی که بطنها را لا یتقبسرد ر انسان معتقدند درست نیست. تردیدی نیست که مخصصات ارشی جان سختند و در صورتیکه اسالیب تربیتی دقیق، صحیح و مد اوی بکار نرود مهروششان خود را بر روحیات انسان میگذارند ولی تجارب بدیده ثابت کرده است که پرورش بمعنایند گرایش آنها را تغییر دهد.

مسائل تمدن امروزی (سینما، رادیو، تلویزیون، مطبوعات، مجامع مذتلف و غیره و غیره) وسائل نیرومند برای تاسیر ایجاد کرده است. در صورت وجود مهربان خوب و شیوه صحیح تربیت میتوان با استفاد ه از این همه وسایل بر توان تاسیر عمیق در افراد باقی گذاشت. ولی بقول مارکس اول خود می ربابا بد تربیت کرد. لازمه ایجاد مهربان نیک و شیوه صحیح پرورش، ایجاد سیستم اجتماعی عادلانه، برانداختن سیستم اجتماعی مبنی بر اسارت فردی و ملی و طبقاتی است.

در کشورهای متمدن می و نه شیوه صحیح پرورش هیچکدام وجود ندارد. پارشد روحی کودک دیمی است، باها اسالیب و شیوه های سر انا غلط، تلقینات و تاسیرات سوء و ضرر همراه است. استعمال و استفاده از تجارب دیگر با این اسالیب و شیوه ها ذینفعند. هدف آنها عبارتست از تربیت انسانهایی قانع، مطیع، متعلق، سالوس، سود پرست و خدعه گر. شیوه های غلط تربیتی موجب پس زدگی عواطف، بروز عقده های ناسالم روحی، احساس خواری، عصبانیت شدیدی، خود خوری، پنهان سازی، ترسوش، خود پسندی بیماروار، پدگمانی بیماروار، رشک و اندوه و بی نشاطی، تن پروری و آسان پرستی است. تمام عرصه ها، خانسه، آموزشگاه، بنگاه و کوجه دست بدست هم داده اند تا صخ روحی افراد را در کشور ماکمیل کنند. این خود یک فاجعه واقعی برای جامعه ماست. لازمه ایجاد یک انقلاب در سیستم پرورش ایران اجزای یک انقلاب اجتماعی است. و سرانجام این نکته را که از مسائل مهم مورد بحث است نیز یاد آور شویم:

باآنکه پرورش عامل قاطع تحول در جامعه نیست ولی نقش عظیم آن برای تجدید تولید معنوی انسانها غیر قابل انکار است. این نیز که سر تئوق ملتی ربابا بد در سیستم پرورش آن چیست حکمی است نادرست و سطحی، ولی اگر گفته شد که یکی از اسرار تئوق خلقها در سیستم پرورش آنهاست، سخن خطائی گفته نشده.

خلقهای جهان بر حسب سنت سیستم های مختلف تربیتی را دنبال میکنند. برخیها به تربیت قسوی علی بیشتر اهمیت میدهند، برخیها به تربیت عواطف، برخیها به پرورش قوای عقلی. سیستم های یکطرفه و غیر متناسب عواقب نیکینی ندارند. شرط اساسی یک سیستم صحیح عبارت از پرورش هماهنگ و متناسب قوای روحانی بشر است. در خانواده ایرانی بیشتر توجه پرورش در مورد " انیکت" و یاد دادن نزاکت و ادب است، امری که بکلی جنبه فرعی دارد. مادر ایران در آغاز ایجاد سیستم پرورش بمعنای معاصر کلمه هستیم و از همین آغاز باید متوجه تمام دانه و اهمیت ویژه کار بود.